

بر اساس آمار ارائه‌شده در دو ارگان رسمی گروهک تروریستی منافقین (نشریه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مسلمان اروپا و آمریکا، شماره‌های ۶۱،۴۰ و ۶۲ و همچنین نشریه مجاهد شماره‌های ۱۳۲ تا ۱۶۴) از ۷ خرداد تا ۲۶ اسفند ۱۳۶۱، ۶۴۷ تن از شهروندان به دست این گروهک تروریستی ترور و ۱۸۴ شهروند نیز مجروح شدند. گروهک تروریستی منافقین، تنها در بازه زمانی ۱۱ فروردین تا ۲۶ اسفند سال ۱۳۶۲، مسئولیت ترور ۴۵۸۳ شهروند ایرانی را برعهده گرفت. آمار این جنایات در شماره‌های ۱۴۵ تا ۱۹۵ نشریه مجاهد (ارگان مطبوعاتی اصلی منافقین) درج شده است. بر اساس آمار ارائه‌شده توسط نشریه مجاهد منافقین، این گروه تروریستی در این بازه زمانی مسئولیت جرح ۴۱۰ شهروند را نیز برعهده گرفت. گروهک تروریستی منافقین در شماره ۱۳۹ نشریه مجاهد (ارگان مطبوعاتی منافقین) ترور ۶۰۰ نفر از مردم آمل به دست «اتحادیه کمونیست‌های ایران» (سال ۱۳۶۰) را نشانه دستاوردی بزرگ برای گروه‌های موسوم به مقاومت خواند؛ و از قتل عام مردم ابرار رضایت کرد.

آنچه در ادامه می‌آید نمونه‌های کوچکی از جنایات منافقین بر اساس آمار ارائه‌شده در ارگان مطبوعاتی این گروهک تروریستی (نشریه مجاهد) است:

- ۴ فروردین ۱۳۶۱، تیم عملیاتی نیروهای گروهک تروریستی منافقین به مرکز نگهداری ماشین‌آلات راهسازی در بانه حمله و آن را منهدم کردند. این جنایت در شماره ۱۴۶ ارگان رسمی منافقین (نشریه مجاهد) درج شده است.
- منافقین همچنین در شماره ۱۴۳ نشریه مجاهد، اعتراف کردند که در ساعات ۸ صبح روز ۱۸ فروردین ۱۳۶۱، در یک عملیات کمین در جاده قاشمشهر، یک وانت حامل چند تن از شهروندان را متوقف و آنها را تیرباران کردند. شهروندانی که منافقین هیچ‌سمت دولتی و حاکمیتی برای آنان ذکر نکرده‌اند.
- مرداد ۱۳۶۱، منافقین اتومبیل حامل فرمانده سپاه شهرضا و معاون وی را به رگبار بستند. این جنایت در شماره ۱۳۴ نشریه مجاهد منتشر شده است.
- ۳ شهریور ۱۳۶۱، مدیرعامل شرکت خانه‌سازی سکایی اراک مقابل شرکتش توسط عوامل منافقین ترور شد. این جنایت در شماره ۱۳۰ نشریه مجاهد با عنوان عملیات انقلابی و قطع سرانگشتان رژیم در هر کجا! منتشر شده است.
- ۵ شهریور ۱۳۶۱ نیز یک روزنامه‌فروش به نام ناصر شریفی تبار در

جنایات منافقین بر اساس آمار ارائه‌شده در نشریه مجاهد

روایت رسمی منافقین از جنایات دهه ۶۰

مقابل ده‌کاش در خیابان بوعلی همدان توسط منافقین ترور شد. این جنایت در شماره ۱۲۰ نشریه مجاهد توسط منافقین منتشر شده‌است.
■ یک نجار در تهران اول آبان ۱۳۶۱ در مغازه‌اش با رگبار مسلسل منافقین به شهادت رسید. در شماره ۱۳۴ نشریه مجاهد منافقین جرم این نجار را «خوش خدمتی به رژیم» درج کردند!
■ منافقین در شماره ۱۳۹ ارگان مطبوعاتی خود(مجاهد)اعتراف کردند که در تاریخ۹ آذر ۱۳۶۱ در جریان حملات موسوم به «مقاومت مسلحانه» در گیلان اتومبیل فردی به نام غلامرضا اکبری را که عضو انجمن اسلامی آتش نشانی رشت بوده متوقف و با شلیک گلوله وی را ترور می کنند.
■ ۱۰ آذر ۱۳۶۱ یک شیشه‌بر همدانی در مغازه‌اش تنها به جرم هواداری از جمهوری اسلامی توسط منافقین ترور شد. منافقین در شماره ۱۳۲ ارگان رسمی مطبوعاتی خود (مجاهد) به این جنایت اعتراف کردند.
■ ۲۲ آذر ۶۱ اتومبیل حامل چهار تن از اعضای بنیاد مسکن گیلان توسط منافقین به رگبار بسته شد. جنایتی که در شماره ۱۲۲ نشریه مجاهد، منافقین به شرح آن پرداخته‌اند.

■ مطابق آماری که در شماره ۱۴۷ ارگان رسمی منافقین (نشریه مجاهد) منتشر شده است، منافقین از پانزدهم تا بیست و پنجم آذرماه ۱۳۶۱، هفت عملیات تروریستی را در شیراز برعهده گرفتند. انفجار خودرو و منازل مسکونی، ترور کسبه، آتش‌سوزی گسترده و... از جمله این عملیات‌های تروریستی بود که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از شهروندان شد.

■ همافرا اکبر دهقانی از موسسین کمیته انقلاب اسلامی کرج و انجمن اسلامی نیروی هوایی ۱۶ آذر ۱۳۶۱، در خیابان دامپزشکی تهران توسط منافقین ترور شد. این گروهک تروریستی در شماره ۱۳۴ نشریه مجاهد به این جنایت اعتراف کردند.
■ منافقین در شماره ۱۳۲ نشریه مجاهد اعتراف کرد که در ۲۲ آذر ماه ۱۳۶۱ در شهرستان بوکان استان آذربایجان غربی، ۲۰ تن از پاسداران را ترور و در ۱۸ دی ماه ۱۳۶۱، تله انفجاری کار گذاشته شده توسط این گروهک تروریستی چند ده پاسدار را در سردشت به شهادت رساندند.
■ گروهک تروریستی منافقین در شماره ۱۳۴ نشریه مجاهد از اقدامات تروریستی خود در قالب «دومین فاز مقاومت انقلابی مسلحانه» و «قطع سرانگشتان رژیم» خبر داد و در همین راستا به ترور بیش از هزار نفر از مردم در سال ۶۱ و عملیات‌های تروررستی گسترده در شهرهای مختلف اعتراف کرد. از جمله این عملیات‌های تروریستی بمب گذاری در ساختمان فرمانداری شهرضا، منهدم کردن کیوسک‌های سپاه در بروجن و منفجر کردن اتومبیل رئیس هلال احمر این شهر، ترور یکی

سیاست

از مسئولان شهرکرد (رحمان رضوی)، ترور دو پاسدار در اسالم و ترور عضو شورای شهر تبریز،

■ شماره ۱۳۷ نشریه مجاهد همچنین در مطلبی با عنوان «بیان عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق در دی ماه ۶۱، اعتراف کرد که این گروهک تروریستی به چهار پاسگاه مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کردستان حمله و بر این اساس مسئولیت ترور ۱۵۰ پاسدار و جرح ۱۱۰ تن از اعضای سپاه را پذیرفت.

خودروی حامل امام جماعت مسجدی بالان (رودسر) ۲۴ دی ۱۳۶۱ به رگبار گلوله بسته شد. منافقین در شماره ۱۳۷ ارگان رسمی خود (مجاهد) به این جنایت اعتراف کردند.
■ بر اساس اخبار منتشرشده در شماره ۱۳۷ نشریه مجاهد، در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۶۱، یک گروه از پیشمرگه‌های مزدور منافقین به یکی از پایگاه‌های نظامی در شهرستان سردشت حمله کرده و بر این اساس ۳۵ پاسدار به شهادت رسیده و تعداد زیادی نیز مجروح شدند.
■ نشریه مجاهد شماره ۱۴۰ اعتراف کرد که نیروهای منافقین مستقر در جنگل‌های گیلان یک عمو و برادرزاده به نام‌های محرم و محرم‌علی بهرامیان را ترور کردند.

■ گروهک تروریستی منافقین در شماره ۱۴۱ نشریه مجاهد اعتراف کرد که پنج شهروند را در جنگل‌های گیلان ترور کرده است. نکته قابل توجه اینکه منافقین در این جنایت که در بهمن ۱۳۶۱ صورت گرفته، تاکید کردند که این افراد هیچ نوع سمت دولتی و حاکمیتی نداشتند و تنها به جرم احتمال راهنما بودن ترور شدند.
■ ۲۱ بهمن ۶۱ دانش آموز بجنوردی به نام امام الله یزدانی که مسئول انجمن اسلامی هنرستان سیدجمال الدین اسدآبادی بجنورد بود، به وسیله سلاح سرد توسط عوامل منافقین ترور شد. این جنایت در شماره ۱۴۴ ارگان رسمی منافقین با عنوان «اعدام انقلابی» منتشر شده است.
■ مطابق آنچه در نشریه مجاهد شماره ۱۴۷ منتشر شده است، منافقین اعتراف کردند که ۱۵ فروردین ۱۳۶۲ پس از یک عملیات شناسایی، رئیس شورای محله و مسئول بسیج باغ ملی شهرضا را در یکی از مسیرهای ترددش به دام انداخته و با شلیک گلوله به شهادت رساندند.
■ منافقین در شماره ۱۴۹ نشریه مجاهد اعتراف کردند که یک غیرنظامی به نام بیژن مدافی را در لاهیجان به ضرب گلوله ترور کرده‌اند.
■ ۱۹ شهریور ۱۳۶۳، مغازه‌داری با نام مهدی جبار زارع در میدان دروازه تهران اصفهان توسط منافقین با شلیک چند گلوله ترور شد. این جنایت در شماره ۲۲۰ نشریه مجاهد توسط منافقین اعتراف شده است.

شماره ۱۳۳ تاسیس وزارت سپاه پاسداران تلاش مذبح‌خانه به منظور تخفیف تضادهای درونی و تقویت ارگان محوری سرگوب رژیم خمینی اتلاصیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران - بزرگ‌کردستان انهدام کامل پایگاه جمال کوسه در منطقه سردشت و هلاکت ۳۰ پاسدار ظلمت و تهاجی شهادت پیشمرگه‌های شهید نبورزگری "کار عیسی" شماره ۱۳۴ اتلاصیه فرمانده سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد علی زرکش علیرضا طبر، عضو هیأت مدیره دشمن، از آغاز مرحله دوم مقاومت تاکنون بیش از یک‌هزار و از آزادری سرگوبی خمینی نابود شده‌اند	شماره ۱۳۳ تاسیس وزارت سپاه پاسداران تلاش مذبح‌خانه به منظور تخفیف تضادهای درونی و تقویت ارگان محوری سرگوب رژیم خمینی اتلاصیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران - بزرگ‌کردستان انهدام کامل پایگاه جمال کوسه در منطقه سردشت و هلاکت ۳۰ پاسدار ظلمت و تهاجی شهادت پیشمرگه‌های شهید نبورزگری "کار عیسی" شماره ۱۳۴ اتلاصیه فرمانده سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد علی زرکش علیرضا طبر، عضو هیأت مدیره دشمن، از آغاز مرحله دوم مقاومت تاکنون بیش از یک‌هزار و از آزادری سرگوبی خمینی نابود شده‌اند	شماره ۱۳۴ تاسیس وزارت سپاه پاسداران تلاش مذبح‌خانه به منظور تخفیف تضادهای درونی و تقویت ارگان محوری سرگوب رژیم خمینی اتلاصیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران - بزرگ‌کردستان انهدام کامل پایگاه جمال کوسه در منطقه سردشت و هلاکت ۳۰ پاسدار ظلمت و تهاجی شهادت پیشمرگه‌های شهید نبورزگری "کار عیسی" شماره ۱۳۴ اتلاصیه فرمانده سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد علی زرکش علیرضا طبر، عضو هیأت مدیره دشمن، از آغاز مرحله دوم مقاومت تاکنون بیش از یک‌هزار و از آزادری سرگوبی خمینی نابود شده‌اند
---	---	---

شماره ۱۳۴ تاسیس وزارت سپاه پاسداران تلاش مذبح‌خانه به منظور تخفیف تضادهای درونی و تقویت ارگان محوری سرگوب رژیم خمینی اتلاصیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران - بزرگ‌کردستان انهدام کامل پایگاه جمال کوسه در منطقه سردشت و هلاکت ۳۰ پاسدار ظلمت و تهاجی شهادت پیشمرگه‌های شهید نبورزگری "کار عیسی" شماره ۱۳۴ اتلاصیه فرمانده سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد علی زرکش علیرضا طبر، عضو هیأت مدیره دشمن، از آغاز مرحله دوم مقاومت تاکنون بیش از یک‌هزار و از آزادری سرگوبی خمینی نابود شده‌اند	شماره ۱۳۴ تاسیس وزارت سپاه پاسداران تلاش مذبح‌خانه به منظور تخفیف تضادهای درونی و تقویت ارگان محوری سرگوب رژیم خمینی اتلاصیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران - بزرگ‌کردستان انهدام کامل پایگاه جمال کوسه در منطقه سردشت و هلاکت ۳۰ پاسدار ظلمت و تهاجی شهادت پیشمرگه‌های شهید نبورزگری "کار عیسی" شماره ۱۳۴ اتلاصیه فرمانده سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد علی زرکش علیرضا طبر، عضو هیأت مدیره دشمن، از آغاز مرحله دوم مقاومت تاکنون بیش از یک‌هزار و از آزادری سرگوبی خمینی نابود شده‌اند	شماره ۱۳۴ تاسیس وزارت سپاه پاسداران تلاش مذبح‌خانه به منظور تخفیف تضادهای درونی و تقویت ارگان محوری سرگوب رژیم خمینی اتلاصیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران - بزرگ‌کردستان انهدام کامل پایگاه جمال کوسه در منطقه سردشت و هلاکت ۳۰ پاسدار ظلمت و تهاجی شهادت پیشمرگه‌های شهید نبورزگری "کار عیسی" شماره ۱۳۴ اتلاصیه فرمانده سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد علی زرکش علیرضا طبر، عضو هیأت مدیره دشمن، از آغاز مرحله دوم مقاومت تاکنون بیش از یک‌هزار و از آزادری سرگوبی خمینی نابود شده‌اند
---	---	---

تروریست‌های مجاهدین با استفاده از فضای باز سال‌های پس از انقلاب ایران، این فرصت را یافتند که خود را برای به راه انداختن حمام خون در ایران تجهیز کنند. تهیه خانه‌های امن و ادوات شکنجه که تنها در اختیار مخوف‌ترین سازمان‌های مافیایی قرار دارد، حکایت از آن داشت که آنان از ابتدا به چه می‌اندیشیدند.

در این میان نام مه‌ران اصدقی معروف به «بهرام»، فرمانده نظامی مجاهدین، بیش از همه با شکنجه پیوند خورده. او ابتدا در تهران مسئول بخش کارگری تشکیلات بود و با آغاز فعالیت‌های تروریستی به تیم‌های ترور منتقل شد. از جمله اقدامات اصدقی عبارت بود از حمله به مقر مرکزی پاسداران در تهران، حمله به منزل یک روحانی به نام ربانی املشی، ترور بهشت‌ارت نماینده مجلس، ترور ناموفق جواد منصوری، محمد خامنه‌ای، سرهنگ حجازی و موسوی خوئینی‌ها.

اصدقی بعدها در اعترافات خود در توضیح بخشی از جنایات گروهک

ربودن و شکنجه یک کفاش به جرم داشتن همسر حزب‌اللهی

اصدقی نقطه آغاز این رویه را ربودن و شکنجه یک کفاش به نام عباس عفت روش می‌داند که بنا به ظن سازمان، همسر او حزب‌اللهی و هوادار جمهوری اسلامی بوده است.
در مورد چگونگی دزدیدن این کفاش، خسرو زندی یکی از عناصری که خود در آن شرکت داشته، توضیح می‌دهد: «از طرف مسئولان سازمان به ما شناسایی داده شد که محتوایش این بود؛ فردی که شغل کفاشی دارد باید دزدیده شود. این کار توسط واحد مسعود حریری صورت گرفت. فرمانده واحد رحمان بود من و فردی دیگر با نام مستعار جعفر عضوآن بودیم. پس از اینکه به ما گفته شد فرد کفاش حزب‌اللهی است و باید روده شود، ما (اعضای تیم) در ساعت ۱۰:۳۰ شب به مغازه کفاشی مراجعه کردیم و دیدیم که مغازه هنوز باز است و با این بهانه که ما از طرف کمیته آمدیم و شما باید برای پاسخ به پاره‌ای از سوالات با ما بیایید کفاش را از مغازه خارج کردیم و پس از انتقال به ماشین و بستن دست‌ها و چشم‌هایش وی را از محل فوق دور کردیم و توسط فرمانده واحد به خانه یکی از مسئولان بالای نظامی که از قبل برای این منظور (شکنجه کردن) آماده شده بود، انتقال دادیم.

از آنجا که خط شکنجه نباید لو برود و هر کس را که ما می‌ربودیم درنهایت چه اطلاعات بدهد و چه اطلاعات ندهد باید کشته می‌شد و از قبل نیز پله‌های برای دفن این افراد کنده شده بود باید فرد کفاش را می‌کشتم و همان روزی که پاسداران را کشتیم وی را نیز بعد از شکنجه زیادی که شده بود به همراه پاسداران کشتیم.

کفاش را به همراه دو پاسدار روی صندلی بستیم، چشم‌هایش را بستیم و با میله‌های سربی او را بیهوش کردیم. سپس به آنها آمپول سیانور تزریق کردیم که از گلویشان صدای خرخر می‌آمد و در حالی که هنوز زنده و در حال جان دادن بودند، بدن آنها را طوری طناب پیچ کردیم که داخل صندوق عقب ماشین جا شود. بسته‌ها را داخل صندوق عقب ماشین گذاشتیم و ساعت ۹ شب ماشین حامل اجساد را تحویل خسرو زندی دادیم و او به همراه محمد جعفر هادیان آنها را برای دفن بردند.»

ربودن و شکنجه یک معلم به جرم مشکوک بودن

خسرو نظری ریاحی معلم ۲۷ساله اهل تهران، فرد دیگری بود که به جرم مشکوک بودن روده شد و مورد شکنجه قرار گرفت. مه‌ران اصدقی درباره این عملیات می‌گوید: «ربودن خسرو ریاحی دوروز پس از ربودن دو پاسدار و فرد کفاش [در تاریخ ۱۶/۵]وبه این علت صورت گرفت که در یکی از خانه‌های تیمی بخش ویژه در خیابان اسکندری، افراد بالای گروه، خسرو ریاحی را بیرون خانه مشاهده می‌کنند که پهلوی ماشینش ایستاده است. آنها گمان می‌کنند که وی خانه‌را زیر نظر دارد. او را تعقیب می‌کنند اما موفق به ربودن او نمی‌شوند. روز بعد وی را در همان محل مشاهده می‌کنند و این بار کاملاً به او مشکوک شده‌و او را شناسایی کرده و می‌ریانند.

مجید رهبر و محمود رحمانی از اعضای بخش ویژه تروریستی، بانزدیک شدن به خسرو ریاحی و با ارائه کارت جعلی کمیته اقدام به بازرسی بدنی ریاحی می‌کنند. اما چیزی از او گیر نیآورده‌و او را به زور داخل ماشین‌شان می‌برند و چشمانش را بسته و به وی می‌گویند که تو را به کمیته می‌بریم. خسرو ریاحی را به خانه شکنجه‌گاه در خیابان بهار آوردند و با چشمان بسته به داخل خانه بردند.

پس از ورود ریاحی، دو پاسدار و فرد کفاش را به اتاق‌های دیگر بردیم‌و او را وارد حمام کردیم‌و روی میز باطناب بستیم‌و او را خواستیم مشخصات را بگویم. او گفت شغلش معلمی است و ما یک

مجاهدین تحت عنوان عملیات مهندسی عنوان کرد: «در ضربه ۱۲

اردیبهشت تعداد زیادی از خانه‌های تیمی ما ضربه خورده بود و افراد زیادی از مرکزیت سازمان در این درگیری‌ها کشته شده بودند. ما نمی‌دانستیم از کجا ضربه می‌خوریم! سازمان به ما ابلاغ کرد که از این پس هر فرد مشکوک که در اطراف خانه‌ها دیدید از افراد دشمن به حساب می‌آید، باید آنها را دستگیر کنید و تحت بازجویی و شکنجه قرار دهید تا نحوه کشف روابط ما و اطلاعاتی که در مورد

ما دارند مشخص شود.

سازمان در حرکتی دیوانه‌وار به ما گفت به کلیه خانه‌های تیمی این خط را بدهید که اگر در اطراف خانه افراد مشکوکی را دیدید آنها را بگیرید و سریع اقدام کنید. آنها را بدزدید و به خانه تیمی ببرید، شکنجه کنید و اطلاعات بگیرید. نام این کار یعنی «شکنجه». عملیات مهندسی گذاشته شد. در ادامه، حرکات سازمان بعد از ۳۰ خرداد حالت تقریبی علنی به خود گرفت.»



دستشویی رفتن توانسته بود یا آنها درگیر شود. من وارد حمام شدم و با کلت یک تیر به پای او شلیک کردم که به زمین افتاد و ساکت شد و با شهرام شروع کردیم به بستن مجدد خسرو که ناگهان بلند شده، شروع به فریاد زدن کرد. من و شهرام سعی می‌کردیم او را ساکت کنیم که ناگهان مصطفی کلت را برداشت و یک تیر به سر خسرو شلیک کرد. خسروی حس به زمین افتاد و خونس داخل حمام ریخت. بعد از صدای تیراندازی‌ها، دیگر خانه برای ما جای امنی نبود و باید آنجا را ترک می‌کردیم. به علت خون زیادی که داخل حمام پراده افتاده بود، خسرو را با آب شستیم و بدنش را با طناب بستیم، به‌طوری که داخل صندوق ماشین جا بگیرد و بعد جسد طناب پیچ شده را داخل پتو گذاشتیم و مجدداً طناب پیچ کردیم. بچه‌های و کلنگ‌نداشتند و جای مناسبی پیدا نکردند و جسد را در خرابه‌ای در خیابان سهروردی رها کردند.»